

تحلیل نئوفرمالیستی عناصر بصری در آثار نمایشی صداوسیما در رده نوجوانان (مورد مطالعه: سریال وضعیت سفید)

محسن صابری*

سیدحمید میرخندان (نویسنده مسئول)**

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال تحلیل و بررسی نئوفرمالیستی عناصر بصری سریال وضعیت سفید در بیان آموزه‌های تربیت دینی نوجوانان است.

روش‌شناسی پژوهش: شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی - کتابخانه‌ای است که پس از جمع‌آوری و مطالعه منابع، اعم از کتاب و فیلم، مطالب کاربردی فیش‌برداری و دسته‌بندی شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. روش تحلیل فیلم در پژوهش حاضر، رویکرد نئوفرمالیستی (نوشکل‌گرایی) است.

یافته‌ها: در دو بخش عناصر زیبایی‌شناسی زوایی و عناصر سبکی به بررسی سریال وضعیت سفید پرداخته شده است. در این تحقیق، استفاده از عناصر روایی همچون روایت، درونمایه و شخصیت‌پردازی و عناصر سبکی مانند صحنه‌پردازی، طراحی لباس و گریم، نورپردازی، تصویربرداری، تدوین، رابطه میان نماها و چگونگی استفاده از آن توصیف و تحلیل شده است. استفاده از این عناصر در خدمت بیان مفهوم محوری فیلم یعنی آرامش

* کارشناس ارشد تولیدسیما، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران.

.mohsensaaberi@chmail.ir

** مدرس دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران. H.mirkhandan@yahoo.com

بوده است. این مفهوم همگام با سیر تکامل روحی شخصیت فیلم تا انتهای فیلم به وسیله عناصر شکلی و روایی دنبال می‌شود. همچنین چگونگی استفاده از این عناصر با شیوه‌ها و عناصر تربیتی دینی تناسب دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: در پایان، می‌توان موفقیت سریال وضعیت سفید را نتیجه نگاه دقیق، خلاقانه و هنرمندانه کارگردان اثر و بهره‌گیری درست و به‌جا از محتوا و درون‌مایه در عناصر فرمی و توجه به رابطه دو سویه میان فرم و محتوا در جهت تاثیر بر مخاطب و انتقال حس نوستالوژی دانست.

کلیدواژه‌ها: تحلیل زیبایی‌شناختی، سریال وضعیت سفید، تربیت دینی، نوجوان.

مقدمه

برنامه‌های نمایشی تلویزیون جزء پر مخاطب‌ترین و تاثیرگذارترین برنامه‌های تلویزیونی محسوب می‌شوند و یکی از نتایج تاثیرگذاری هدفمند، تربیت مخاطبین است. در این میان، مخاطب نوجوان به دلیل داشتن ویژگی‌های شخصیتی خاص، بیشتر از سایر گونه‌های مخاطبان از برنامه‌های تلویزیونی تاثیر و الگو می‌پذیرند. از این رو بهره‌گیری از ظرفیت فرم‌های نمایشی به خصوص درام و طنز در سریال‌ها به طور غیر مستقیم و به نحو احسن می‌تواند در اقناع نوجوانان موثر باشد. این امر منوط به آشنایی سازندگان این گونه آثار با مؤلفه‌های تربیت نوجوان (محتوا) در کنار قواعد فرم می‌باشد.

تجربه‌ها و الگوهای موفق مثل سریال وضعیت سفید، که به دلیل داشتن مؤلفه‌های طنز و درام و.. و استقبال مخاطبان جوان، قابل بررسی و تحلیل است.

این سریال ماجراهای پرفراز و نشیب خانواده‌ای را روایت می‌کند که در اواخر جنگ به روستای مادری خود می‌روند و شخصیت اصلی آن نوجوانی به نام امیر است که طی فیلم با توجه به موقعیت‌های مختلف رشد پیدا می‌کند. وضعیت سفید در مسیر درام، هم به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده ایرانی اشاره کرده، هم به تربیت دینی نوجوان توجه ویژه‌ای داشته و هم از ظرفیت طنز بهره برده است. از این رو الگوی مناسبی برای برنامه‌سازی برای مخاطب

نوجوان در جهت تربیت دینی است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی چگونگی استفاده از عناصر زیبایی‌شناسی در سریال وضعیت سفید برای بیان آموزه‌های تربیت دینی نوجوان است. در این بررسی به رابطه متقابل فرم و محتوا اشاره می‌شود، یعنی علاوه بر زیبایی‌شناسی فرم در سبک و روایت به محتوا هم اشاره می‌کنیم تا روشن شود چگونه می‌توان برای تربیت دینی نوجوان از سریال‌های نمایشی تلویزیونی بهره برد. به این منظور با بررسی سریال وضعیت سفید به عنوان یک سریال موفق و پرمخاطب تلویزیونی، نمایشی سازی تربیت دینی در تلویزیون و به خصوص قالب سریال‌های نمایشی را نقد و بررسی می‌نماییم.

پیشینه پژوهش

۱. رحیم زاده (۱۳۹۵) با روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات میدانی پژوهشی با عنوان "بررسی نقش رسانه‌های جمعی (با تاکید بر تلویزیون) در الگوپذیری و رفتار کودکان و نوجوانان" نگاشته است. داده‌های این تحقیق شامل ۳۰۵ پرسشنامه قابل استفاده بوده و نتیجه آن عبارت است از اینکه رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون بر الگوپذیری، نگرش، رفتار فردی، رفتار اجتماعی و یادگیری کودکان و نوجوانان تاثیر معناداری دارد.

۲. عباسی (۱۳۹۵) در "تحلیل محتوای برنامه‌های کودک و نوجوان از حیث مفاهیم تربیت دینی" با تحلیل مضمون ۱۰ قسمت از برنامه محل گل و بلبل (ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده است که این برنامه تمرکز، توجه و تاکید فراوانی بر موسیقی طنز و سرگرمی داشته است و مفاهیم و مضامین تربیت دینی اسلامی در این برنامه در حاشیه قرار گرفته است.

۳. بیان معمار (۱۳۷۹) در مقاله "تلویزیون و آثار تربیتی آن" می‌نویسد: پیشرفت‌های سریع فن‌آوری در دنیای معاصر در زمینه ارتباط و تلویزیون و تأثیرات آن در جامعه‌پذیری و تغییرات گوناگون رفتاری را از دیدگاه صاحب‌نظران مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در

این نوشتار، نقش تلویزیون به عنوان ابزاری جهت آشکارسازی مسائل مختلف و چگونگی تأثیر برنامه‌های تلویزیونی بر مخاطبان با دقت و ظرافت خاصی بیان گردد و در نهایت اینکه تلویزیون باید یک وسیله سرگرمی باشد یا یک وسیله آموزشی و یادگیری، بررسی شده است. ۴. یوسفی و یوسفی صبور (۱۳۹۱) در مقاله "بررسی نقش تلویزیون بر تغییر رفتار نوجوانان از دیدگاه دانشجویان ارشد ارتباطات" به تلویزیون با تاثیرگذاری بسیار بالا بر مخاطبین کودک و نوجوان آثار مثبت و منفی فراوانی در تربیت و رفتار آنان اشاره کرده است. بر اساس این تحقیق، آثار مثبت تلویزیون شامل پر کردن اوقات فراغت، افزایش یادگیری کودک و نوجوان و کمک برای انتخاب شغل است، آثار منفی آن نیز، رواج مصرف گرایی، افزایش میزان خشونت و پرخاشگری و همچنین آموزش مسائل مربوط به بزرگسالان است. طبق نتایج این تحقیق، به دلیل ضریب تاثیرگذاری بالای تلویزیون بر کودک و نوجوان و منفعل بودن آنان والدین نمی‌توانند با کارکردهای منفی تلویزیون مقابله کنند اما برنامه سازان و مدیران تلویزیونی باید به آن‌ها توجه داشته باشند.

با توجه به مواردی که در پیشینه حاضر بیان شد و سایر آثار مشابه می‌توان عمده تفاوت آثار علمی قبلی با پژوهش حاضر را به طور خلاصه چنین بیان کرد که، هیچ‌یک از تحقیقات پیشین سه متغیر زیبایی‌شناسی، سریال وضعیت سفید و تربیت دینی نوجوان را در کنار هم بررسی نکرده است.

زیبایی شناختی تصویری

مفهوم زیبایی‌شناسی به معنای کنونی توسط بوم گارتن در قرن ۱۸ میلادی برای اولین بار با معنای دانش بررسی چگونگی درک و شناخت احساسی اشیاء "استفاده شد. واژه زیبایی شناختی واژه ای نسبتاً جدید است اما بحث از امر زیبا و مفهوم زیبایی به گستره تاریخ تفکر و فلسفه می‌باشد از یونان باستان تا به امروز تعاریف متعددی از زیبایی و زیبایی شناختی از سوی صاحب نظران بیان شده است. در واقع "تولد زیبایی‌شناسی در نظام تفکر فلسفی به معنای وسیع کلمه با تولد کل فلسفه غرب همزمان است." (سوانه، ۱۳۸۸: ۱۸)

سقراط زیبایی را در سود بخشی، افلاطون زیبایی اصیل را در عالم مثل و حقایق معقول، و ارسطو فرم‌های اصلی زیبایی را نظم و تقارن و تعیین که علوم ریاضی آنها را در درجات معینی مشخص می‌کنند بیان می‌کردند. (فاستر گیج، ۱۴۰۰: ۳۱ و ۳۲)

به طور کلی زیبایی‌شناسی به دو معنا تعریف شده است:

۱. هر آنچه به زیبایی مرتبط است و منش زیبایی را تعریف می‌کند.
۲. علمی که موضوعش داوری و ارائه حکم درباره تفاوت میان زیبا و زشت باشد. (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۵)

نقد مبتنی بر زیبایی‌شناسی در عصر حاضر با تاثیر اثر هنری بر مخاطب، واکنش مخاطب و نحوه خلق این واکنش در مخاطب سروکار دارد. (گینزبورگ، ۱۳۹۹: ۲۸۹) از آنجا که موضوع مورد مطالعه ما در این پژوهش تحلیل زیبایی شناختی سریال وضعیت سفید است، با در نظر گرفتن کاربرد زیبایی‌شناختی تصویر در تلویزیون آن را به معنای هماهنگی بین عناصر و به‌کارگیری درست آنها در اثر هنری برای جذب و جلب توجه بیشتر مخاطب به آن موضوع یا سوژه و در نتیجه تاثیرگذاری بر او در نظر گرفته ایم. همچنین نقد یک اثر هنری با رویکرد زیبایی‌شناسی از مهمترین کاربردهای بررسی و تحلیل آن اثر می‌باشد که ما در این تحقیق، بر این کارکرد زیبایی‌شناختی به عنوان زیبایی‌شناختی کاربردی تاکید ویژه‌ای داریم.

عناصر فرمی فیلم

عناصر فرمی فیلم سیستمی یکپارچه، قانونمند و هدفمند است که ذهن بیننده آن را دریافت کرده و درک می‌کند. دیوید بوردول و کریستین تامپسون می‌گویند: "منظور از فرم در مفهوم عام آن سیستم کلی است که بیننده در فیلم دریافت می‌کند فرم عبارت است از آن سیستم فراگیر حاکم بر روابط بین عناصر که می‌توانیم در یک فیلم کامل درک کنیم." (بوردول و تامپسون، ۱۳۹۴: ۴۸) همچنین می‌گویند: فرم عبارت است از سیستم ویژه‌ای از روابط قانونمند شده‌ای که ما در هر اثر هنری ادراک می‌کنیم. چنین مفهومی ما را به درک این مسئله رهنمون می‌شود که چگونه حتی عناصر آن چیزی که معمولاً (محتوا) نامیده می‌شود کارکردی

ویژه در بطن اثر هنری به عهده می‌گیرند. (همان: ۶۱) فرم فیلم بر ترجمه مخاطب از یک فیلم تاثیر می‌گذارد و به فعالیت آنها سمت‌وسو می‌دهد و نوع خاصی از درگیر شدن بیننده را موجب می‌شود. البته در هنرها، اصول فرمولی مطلقى که همه هنرمندان مجبور به تبعیت از آن باشند وجود ندارد. آثار هنری محصولات فرهنگی هستند؛ بنابراین بسیاری از اصول فرم هنری، قراردادی هستند. (همان: ۶۲)

عناصر فرمی شامل عناصر روایی و عناصر سبکی است. عناصر روایی مربوط به داستان و ساختار روایت فیلم همچون روایت، درون‌مایه، شخصیت‌پردازی است. عناصر سبکی نیز به کمپوزیسیون (قاب بندی نماها)، حرکت و زاویه دوربین، نورپردازی، رنگ، صدا و تدوین مربوط می‌شوند. بیننده این دو دسته عناصر (عناصر روایی و عناصر سبکی) را در ذهن خود به هم ارتباط می‌دهد، آن را درک می‌کند و تاثیر می‌گیرد.

هربرت زتل نویسنده کتاب "راهنمای تولید برنامه‌های تلویزیونی" می‌گوید: در بررسی تلویزیون تحلیل استقرائی عناصر اساسی تصویر یعنی نور، رنگ، فضای دو بعدی، سه بعدی، تدوین و صدا کاراست. (زتل، ۱۳۸۴: ۳۸۴) او با این نگاه به فنون و شگردهای تولید فیلمی زیبا می‌پردازد، فارغ از آنکه این نوع رویکرد چه مقدار از نظر فلسفی زیبایی‌شناختی مورد پسند قرار بگیرد.

تربیت دینی

راغب اصفهانی برای تربیت سه ریشه لغوی بیان کرده است: "رَبَو" از باب تفعیل، به معنای زیاد کردن، افزودن، نمو دادن و فراهم آوردن امکان رشد شی است. "رَبَبَ" یعنی چیزی به طور پیوسته و پی در پی پروریده شود تا به حد کمال برسد. الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَّة، وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حُدِّ التَّمَامِ. (راغب اصفهانی: ۳۳۶-۳۴۰)

معنای اصلی تربیت، در مسیر رشد قرار دادن است و چون انسان موجودی دو ساحتی از جسم و روح است و اصالت نیز با روح اوست، لذا تاکید و توجه بیشتر در پرواندن روح است که برای آن الفاظی همچون تزکیه و تادیب بیشتر استفاده شده است. در آیه ۲ سوره جمعه

می خوانیم:

"هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ" اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

همچنین سخن پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: "أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ. به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید." (طبرسی، ۱۳۹۳: ۲۲۲) شهید مطهری رحمته الله می گوید: «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای درونی انسان در جهت مطلوب با استفاده از روش های صحیح و مناسب». (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۶)

علامه طباطبایی، در رابطه با تربیت معتقد است: تربیت صالح دارای دو بال علم نافع و عمل صالح است که اول باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آن ها عمل کرد تا به تدریج تزکیه حاصل شود. یعنی ابتدا باید مطلب فهمیده شود و سپس مطلب فهمیده شده از طریق مداومت بر عمل در نفس مستقر گردد. (وجدانی و دیگران، ۱۷۷) امام خمینی رحمته الله گفته است: «اساس عالم بر تربیت انسان است». (موسوی خمینی، ۱۳۹۹: ۱۵۳)

و از نظر امام خامنه ای «تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را باز می یابد و برای مثال تربیت یک نهال یا یک بوته گل به این معناست که ما این نهال یا این بوته گل را رشد و نمو بدهیم تا برگ و بار پیدا کند و ضمن اینکه خود این نهال یا بوته، از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی باید شکل کامل خود را پیدا کند، میوه اش هم باید میوه سالم و شیرینی باشد.» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۵: ۵۵)

بر اساس آموزه های اسلام و تشیع انسان باید توانایی های بالقوه و ذاتی خود را به فعلیت

و شکوفایی رساند و سیر حرکت تکاملی خود را طی کند او در این مسیر باید همه استعداد‌های جسمی روحی عاطفی عقلی و روانی خود را پرورش دهد. توجه به تربیت و اهتمام بر آن در کنار توجه به آموزه‌های دینی برای تربیت صحیح قوای جسمی و روحی عاملی است که استعداد‌های ذاتی بشر را شکوفا کرده و به رشد و کمال حقیقی می‌رساند در قرآن کریم نیز تنها راه سعادت بشر تربیت صحیح و تزکیه درون از رذائل اخلاقی بیان شده است و عدم توجه به آن را موجب هلاکت حتمی انسان می‌داند.

آنچه تفکر اسلامی و تفکر غربی را در رابطه با تربیت انسان از یکدیگر متمایز می‌کند، توجه به ابعاد وجودی انسان و پرورش دادن و شکوفا کردن استعداد‌های بالقوه انسانی است بنابراین نتیجه تربیت دینی از منظر اسلام سعادت‌مندی و رسیدن به کمال حقیقی است به عنوان هدف آفرینش و حیات انسان است.

نوجوان

دوران نوجوانی با پایان دوران کودکی و قبل از رسیدن به دوران جوانی و بزرگسالی آغاز می‌شود و تغییرات و ویژگی‌های خاصی را همراه خود دارد. این تغییرات همراه با حالات رفتاری و عاطفی به خصوصی خواهد بود و مهمترین نشانه آن بلوغ است. این دوران را نمی‌توان با قطعیت محدود در سنین خاصی دانست با این وجود روانشناسان رشد با اغماض بازه سنی ۱۳ تا ۱۸ سالگی را دوران نوجوانی در نظر گرفته اند.

شیوه‌های تربیت دینی نوجوان

تنبیه

تنبیه به معنای بیدار کردن از خواب غفلت است و به هرگونه رفتار ناراحت‌کننده‌ای گفته می‌شود که می‌تواند دیگری را از اشتباه و خطا باز دارد. از مواردی که موجب تصدیق و تایید یک رفتار که به صورت عارضی برای انسان پدید می‌آید علم به تنبیهی است که در صورت ترک آن عمل برای او در نظر گرفته می‌شود به این صورت که شخص در صورتی که به آن فعل

و فواید آن توجه داشته باشد ممکن است با قطعیت نسبت به فواید آن پی نبرد اما اگر بداند که انجام ندادن آن فعل موجب می شود که مورد تنبیه قرار گیرد برای آنکه تنبیه نشود فایده آن فعل را تصدیق می کند.

ترک خوش خلقی و محبت یا قهر و اخم و بد خلقی جنبه هایی از تنبیه است. بر اساس ادله شرعی و عقلی شیعه تادیب تنبیهی جایز است اما در کیفیت، محدوده و میزان آن اختلاف است، هر چند به صورت کلی تنبیه نباید فراتر از محدوده باشد. فقط ولی یا وصی ماذون از ولی می تواند از تنبیه بدنی استفاده کند. سایر افراد در برابر خطا و اشتباه دیگران فقط می توانند خوش اخلاقی را ترک و یا مدتی قهر کنند، به شرط آنکه این اعمال موجب حرام دیگری نباشد. با توجه به روایات دینی تنبیه یک شیوه تربیتی تدریجی است، نه حداکثری؛ یعنی باید از خفیف به شدید و مرتبه به مرتبه انجام شود. همچنین تنبیه نباید موجب قطع پیوند عاطفی مربی با مرتبی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: **الإفراطُ في المَلَامَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ**؛ زیاده روی در سرزنش آتش لجاجت را افروخته می کند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۳۲۲) همچنین امام کاظم علیه السلام به شخصی که از فرزندش شکایت داشت گفت: **لا تَضْرِبْهُ، وَ اهْجُرْهُ وَ لا تُطِلْ**؛ او را زن، بلکه برای مدتی با او قهر کن اما قهرت را طولانی نکن. (همان: ۱۱۲)

تشویق

تشویق یعنی هرگونه وعده ای که پیش از انجام فعلی به فاعل آن داده می شود و او با این وعده شوق و رغبتی برای انجام آن عمل برایش پیش می آید. تشویق به عنوان یکی از راهکارها و روش های تربیتی با جزای به احسان تفاوت دارد. در جزای به احسان فرد بدون در نظر گرفتن امکان تشویق برای انجام آن کار، آن احسان را انجام می دهد و پیش شرط و عوضی برای احسان خود ندارد اما در تشویق قبل از اینکه فرد کاری انجام دهد به او وعده جایزه و پاداش داده می شود و شخص بر اساس انگیزه ای که از طریق آن وعده به او گفته شده است کار را انجام می دهد.

با توجه به اینکه در اسلام مخالفت صریحی با این روش و شیوه نشده است می توان

جواز آن را از نگاه اسلام پذیرفت گرچه شواهد دیگری مثل بهره‌مندی از غنائم جنگی برای مجاهدان به عنوان شاهد مثالیست که در اسلام امر تشویق مورد نظر بوده و هست. همچنین در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله: کودکان را دوست بدارید و به آنها مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید، وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند. (حرعاملی، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

یکی از آثار استفاده از روش تشویق ایجاد روحیه استقلال در شخص است زیرا شخص خود را مخیر می‌بیند که آن عملی را که به آن تشویق شده انجام دهد و در ازای آن پاداش دریافت کند. از سوی دیگر مهمترین عیب آن تقابل با روحیه عبودیت است، زیرا فردی که خود را عبد بداند برای مولایش حق اطاعت از او را در نظر می‌گیرد بدون توجه به وعده یا تشویق از او امر مولای خود تبعیت می‌کند. لذا روش تشویق به عنوان یک شیوه تربیتی نمی‌تواند به عنوان پایه و اساس تربیت فرزند قرار بگیرد، بلکه صرفاً روشی و ابزاری برای تربیت فرزند است.

محبت

در این شیوه فرد متربی بر اساس پیوند عاطفی که بین او و مربی یا محیط تربیتی وجود دارد رفتار یا کاری را انجام می‌دهد. یعنی متربی می‌داند اگر با آن خواسته مخالفت نماید رابطه عاطفی که بین او و مربی یا والدین وجود دارد تضعیف می‌گردد، با آن موافقت می‌کند. آیات و روایات فراوان، تربیت را محور محبت ورزیدن می‌دانند. پس شاید بتوان این شیوه تربیتی را جز اصول اسلامی تربیت فرزند در نظر گرفت. اگرچه شاید این شیوه تربیتی برای برخی از کودکان (به دلیل شرایط و ویژگی‌های فردی و تمایلات شخصی) چندان مثمر نباشد اما قطعاً یکی از مهمترین شیوه‌های تربیتی به خصوص برای فرزندان و متربیان است.

اکرام و احترام

اکرام از نظر لغوی به معنای بزرگ داشتن دیگران و کرامت ورزیدن و در معرض نیکویی

قرار دادن فرد است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶: ۷۰۷) و احترام به معنای نگاه داشتن حریم دیگران است و رفتاری که نشان‌دهنده بزرگداشت و گرامی داشتن کسی است. (عمید، ۱۳۸۹: ۷۶) اکرام و احترام نیز در کنار تاکید بر محبت‌ورزی والدین نسبت به فرزندان در روایت بسیاری به عنوان یکی از شیوه‌های تربیت صحیح فرزندان اشاره شده است. در روایتی از رسول اکرم ﷺ آمده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ؛ فرزندان خود را اکرام کنید و آداب آنها را نیکو گردانید.» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۴۷۶) اکرام و احترام علاوه بر آنکه برآورده کننده یکی از نیازهای روحی و روانی فرد است در برطرف کردن نیازهای مادی آن فرد نیز بسیار مهم و موثر است.

به طور خلاصه آنچه که از نگاه اسلام ملاک اکرام و احترام است رعایت کردن حد توانمندی‌های واقعی شخص است یعنی در نظر داشتن قابلیت‌های او و بر اساس آن میان اکرام و احترام می‌بایست تعادل و کنترل برقرار کرد.

روش‌شناسی پژوهش

شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی، کتابخانه‌ای است که پس از جمع‌آوری و مطالعه منابع، اعم از کتاب و فیلم، مطالب کاربردی فیش‌برداری و دسته‌بندی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. روش مورد استفاده برای تحلیل فیلم در این پژوهش توصیفی تحلیلی با رویکرد نقد ثنوفرمالیستی، یعنی نقدی که بر شکل تمرکز می‌کند و عمده‌اها تمام به ادراک جهان داستان دارد نقدی که به تحلیل عناصر شکلی روایی (در فیلم روایی) مانند؛ تمایز طرح و داستان، زمان، فضا و الگوهای روایی و تحلیل عناصر سبکی فیلم مانند؛ میزانشن، تصویربرداری، تدوین و صدا می‌پردازد از نظر آنان در واقع سبک، تمهیدات بیان روایت (روایتگری) است. نکته‌ای که آنان بر آن تاکید می‌کنند این است که دلالت هر عنصر سبکی در یک فیلم بر اساس کارکرد آن در کلیت فیلم مشخص می‌شود و از پیش تعیین شده نیست. (میرخندان، ۱۴۰۱: ۷۵) است، و با انتخاب سکانس‌هایی از سریال وضعیت سفید به توصیف و تحلیل اطلاعات فیلم، نکات حائز اهمیت و مورد نظر

که در سوالات و اهداف پژوهش بیان شده می‌پردازد تا به وسیله آنها نمونه‌ها، مثال‌ها و الگویی ارائه دهند .

یافته‌ها

تحلیل فرم روایی سریال وضعیت سفید

روایت

روایت سریال وضعیت سفید به اواخر دوران جنگ تحمیلی و موشک‌باران تهران برمی‌گردد دوران دلهره‌آوری که اعضای خانواده پرجمعیت گلکار که همه با هم اختلاف دارند به ناچار برای در امان ماندن از حملات موشکی در خانه باغ روستایی مادرشان ساکن می‌شوند این همجواری خانواده در باغ حوادث و ماجراهای بسیاری را رقم می‌زند که البته روند این ماجراها در از بین رفتن اختلافات تاثیر گذار است .

این سریال به نوعی تاریخ‌نگاری اجتماعی همان دورانیست که گفته شده و جز سریال‌هایی است که به معرفی این دوره می‌پردازد روایت اصلی این سریال به صورت خطی و پیش‌رونده است و در کنار آن خرده روایت‌هایی که به‌درستی و در خدمت به کلان روایت موجب شده است که علی‌رغم گسست‌های به ظاهر گل‌درشت وحدت و یکپارچگی خوبی را در سریال شاهد باشیم.

نقش اول این داستان نوجوانی به نام امیرمحمد است که در سن بلوغ قرار دارد، اما رفتارهای به دور از عقل دارد. بازی زیبای یونس غزالی این کاراکتر را در ذهن‌ها ماندگار کرد. داستان اصلی حول این شخصیت پیش می‌رود اما داستان‌ها و خرده‌پیرنگ‌های مختلفی که سایر اعضای این خانواده دارند نیز به موازات قصه جلو می‌رود. امیر طی این داستان رشد می‌کند و در نقطه تحولی به واسطه شهادت دوستش شهاب، از یک شخصیت خام به یک نوجوان با احساس اما فهمیده تبدیل می‌شود. او در مسیر روایت فیلم به لحاظ روحی مسیر کمال را طی می‌کند و مؤلفه‌های تربیت دینی، همچون تنبیه، تشویق و احترام سبب دگرگونی روحی و در نهایت تغییر سرنوشت او می‌شود.

شخصیت‌های غیر اصلی همچون احمد آقا که با وجود تمام ویژگی‌هایی که یک ابر قهرمان می‌تواند داشته باشد در این سریال به عنوان یک شخصیت حاشیه‌ای فقط در تعداد محدودی از سکانس‌ها حاضر می‌شود؛ اما در روند کلی داستان نیز تاثیرگذاری بالایی دارد. او احترام ویژه‌ای برای همه شخصیت‌های داستان دارد و علاوه بر این تاثیر و صحبت او با بهزاد شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی باشد که باعث می‌شود بهزاد اعتیاد را ترک کند.

نگاه درست کارگردان به زمان رویداد داستانی سریال و استفاده دقیق و به‌جا از از المان‌های نوستالژیک آن دوران که برای بسیاری از مردم جذاب و خاطره‌انگیز است موجب شده که بیننده همزادپنداری خوبی با اثر داشته باشد؛ در واقع بیننده با دیدن این سریال گویا نگاهی به آلبوم خانوادگی قدیمی خود انداخته است. کاراکترهای فیلم را به افراد پیرامون خود شباهت می‌دهد و مرور خاطرات خود را دارد.

درون مایه (تم)

آرامش را می‌توان درون‌مایه اصلی این سریال دانست که عنوان سریال هم به‌گونه‌ای به آن اشاره دارد. عنوان سریال وضعیت سفید در ابتدای تیتراژ با دو رنگ قرمز و سفید کنار هم دیده می‌شود. این نیز به‌گونه‌ای هوشمندانه این درون‌مایه را بیان می‌کند. خانواده گلکار برای در امان ماندن از این وضعیت قرمز و خطرناک و رسیدن به امنیت و آرامش ظاهری و وضعیت سفید به روستای مادری و خانه او پناه می‌برند، اما در واقع وضعیت قرمز اصلی این خانواده اختلاف اعضای خانواده با هم و نبود صلح و آرامش فردی و خانوادگی است همان چیزی که در خرده روایت‌ها و اختلافات خواهر و برادرها و ... به خوبی نشان داده می‌شود.

آرامش نقش مهمی در تربیت و رشد فردی و اجتماعی دارد و یافتن آن در این دوران به قطع امری دشوار است. لزوم حضور دوست و همراهی دلسوز و مربی عالم و آشنا به مسیر آرامش درون‌مایه دیگری است که در سریال دیده می‌شود.

در این سریال به کرار شاهد اتفاقات و درگیری‌هایی هستیم که ریشه اصلی آن آرامش نداشتن است. شخصیت‌ها و داستان‌های این سریال از نبود آرامش (بیژن و بهزاد) و یا از

دست دادن آرامش (احترام) و یا مصادیق غلط رسیدن به آرامش (بهروز و امیر) که مقطعی و گذرا است رنج می‌برند.

وضعیت قرمز و خطرناک خانواده گلکار قهر، درگیری، التهاب، عصبانیت، بغض و کینه و در یک کلام نداشتن آرامش است و این سریال به کمک عناصر مختلف به دنبال نشان دادن این مهم است و در نهایت پایان این وضعیت قرمز و اعلام وضعیت سفید با برطرف شدن درگیری‌ها و التهاباتی است که در طول داستان شاهد آنها بودیم و نتیجه آن آرامشی که به دست می‌آید. این آرامش در نهایت به شهادت امیر محمد ختم می‌شود؛ گویی عناصر تربیت دینی و بروز و ظهور آرامش روحی در زندگی او، در شهادتش تجلی پیدا می‌کند.

شخصیت پردازی

مهمترین عنصر روایی که موجب شده این سریال در یادها بماند، شخصیت‌پردازی موفق آن است به نحوی که در ریزترین ویژگی‌های شخصیتی نیز توجه ویژه‌ای شده است. نقطه قوت این سریال معرفی و دیدن شخصیت‌ها و تیپ‌های مختلف است به گونه‌ای که مخاطب با همه این شخصیت‌ها می‌تواند ارتباط بگیرد و برای آنها ما به‌ازای خارجی متصور شود؛ این علاوه بر تقویت حس باورپذیری در زیبایی‌شناسی تصویری و اثری نیز موثر واقع می‌شود.

شخصیت‌پردازی این سریال در خدمت روایت است. از سویی دیگر شخصیت‌های فرعی هر یک قصه‌ای دارند، در مسیر اصلی و در کنار روایت اصلی و در ارتباط با شخصیت اصلی قرار دارند و هر یک از این شخصیت‌های فرعی نیز به زیبایی نماینده گروه یا طیف خاصی از شخصیت‌ها و طبقات اجتماعی شده‌اند. همین امر موجب شده مخاطب مابه‌ازای خارجی و واقعی هر یک از شخصیت‌ها را در پیرامون خود پیدا کند و جذب داستان فیلم شود.

شخصیت اصلی این سریال امیر است؛ امیر می‌تواند نمونه‌ای باشد برای نوجوان ما که

چگونه از این دوران بحرانی نوجوانی و بلوغ به سلامت عبور کند. نوجوانی که در سن بلوغ

است اما رفتارهای به دور از عقل دارد. او دچار عشق مجازی، خیالی و یک‌سویه نسبت به شیرین دختر عباس آقا (راننده مینی بوس روستا) شده است و برای دیده شدن در چشم شیرین هر کاری انجام می‌دهد. کارهایی که رنگ و بویی از منطق ندارد. امیر حتی در خیال خود با این دختر صحبت می‌کند.

امیر برخلاف خانواده گلکار که همه با هم درگیر هستند با هیچ‌کدامشان درگیر نیست یعنی با همه و پیش همه هست. همه آدم‌ها از خواهرش گرفته تا مادر و پدرش، مادر بزرگش عموها، عمه‌ها و همه اینها حتی اگر در برخی مواقع از کار امیر خوششان نیاید باز با امیر ارتباط می‌گیرند با او صحبت می‌کنند که منشأ اصلی آن را می‌توان نوع تربیت امیر و نوع نگاهش به خانواده دانست اینکه او وجودش را با خانواده می‌داند و در خانواده معنا پیدا می‌کند و همین خانواده به خصوص مادر بزرگش هست که نقطه مهم برای تحول او است. حضور در خانه و خانواده، ارتباط با تمام اعضای خانواده و مهربانی و محبت او با همه و تلاش برای حل مشکلات، امیر را برای مخاطب دوست‌داشتنی کرده است؛ هر چند در جاهایی رفتارش نامناسب و بد یا ریاکارانه است.

نقطه تحول اصلی امیر شهادت دوستش شهاب است که در نهایت در او انقلابی رخ می‌دهد، انقلابی تحول‌آفرین که شخصیت امیر را از یک پسر بچه خام و بی‌عقل نوجوانی دوست‌داشتنی و پخته می‌سازد. گرچه در این مسیر رشد و رسیدن به نقطه انقلاب درونی او ماجراها و گره‌های فراوانی وجود داشت؛ ولی جرقه‌هایی هم برای رسیدن امیر به هدف نهایی روایت نیز در بستر داستان وجود دارد که تلنگری برای امیر بوده و او را از خواب غفلت بیدار کرده و از این برزخ نجات داده است.

از جمله شاید مهمترین نقاط تحول شخصیتی امیر ناراحتی مادر بزرگش از اوست. مادر بزرگ در اثر این ناراحتی از حال می‌رود. (یا سکت می‌کند) در این صحنه که نوعی آغاز حرکت مسیر و حرکت رشد امیر است و تلاش او برای نجات و تصمیم او برای رهایی از این گرفتاری است که در آن افتاده است. این موضوع به‌گونه‌ای امیر را تنبیه می‌کند تا از مسیری که در پیش گرفته برگردد. یعنی محبت کردن، صحبت کردن و منع کردن بر او اثر نگذاشت اما

قهر کردن از سوی سمبل محبت خانواده (مادربزرگ) کارساز افتاد.

مهمترین و کلیدی ترین شخصیت فرعی این سریال، مادربزرگ است. او سمبل آرامش، صبوری، مهربانی و دلسوز نسبت به تمام اعضای خانواده است و نقش او در این سریال کلیدی است؛ از سویی خانه او موجب حس امنیت و آرامش است و فرزندان برای در امان ماندن از وضعیت قرمز جنگی به آن پناه می‌برند. از سوی دیگر او نمادی از رحمت و محبت است و حل بسیاری از حوادث و وقایع داستان و تحول شخصیتی نقل اول به وسیله او انجام می‌شود. چادر سفید گل‌گلی، جانماز، نماز و دعا و اهل ادبیات و شعر بودن ویژگی‌های شاخص او است؛ بسیاری از دیالوگ‌های او حاوی شعر یا ضرب‌المثل است. پس از مادربزرگ، شهاب، دوست و همکلاسی امیر مهمترین شخصیتی است که گرچه حضورش در سریال پررنگ نیست، اما عامل به خود آمدن و بیدار شدن امیر از خواب غفلت و سرگردانی، به جبهه رفتن و شهادتش است.

تحلیل عناصر ساختاری سریال وضعیت سفید

نور و رنگ

کارگردان این سریال به خوبی و در موارد مختلفی از نور و رنگ در راستای بیان مضمون و درونمایه (مفهوم آرامش) بهره برده است. برای مثال، از همان صحنه آغازین که با نماز خواندن مادر بزرگ همراه است، طراحی صحنه‌ی ساده‌ای را می‌بینیم که فقط با یک پنجره و دو تکه پرده عملاً صحنه را طراحی کرده، خود آن پنجره هم پنجره‌های رنگارنگی از رنگ‌های آرام رنگ‌های سرد رنگ‌هایی که ما را به آرامش راهنمایی می‌کند. جنس این صحنه علی‌رغم اینکه یک فضای گرم و جذابی را پدید می‌آورد؛ اما یک تعادلی میان گرما و سردی لحاظ شده که به بیننده حس آرامش می‌دهد. در این تصویر طیفی از رنگ‌ها را داریم از قرمز تا زرد، آبی و سفید و این رنگ‌ها به درستی و زیبایی در کنار هم قرار گرفته‌اند. این نورپردازی با هدف نمایشی کردن مفهوم آرامش و اتصال به معنویت است با موضوع کمال انسانی و تربیت دینی و عناصر و مؤلفه‌های آن سنخیت دارد.

تصویربرداری

در این سریال، فیلمساز به ویژگی‌ها و خصوصیات تصویر در تلویزیون و تفاوت آن با سینما کاملاً آشناست و در کل سریال سعی داشته آن را رعایت کند. ویژگی مهمی که در تصاویر متعددی از سریال وضعیت سفید مشاهده می‌شود استفاده از تمام قاب و بهره‌مندی از لایه‌های پیش زمینه، میان زمینه و پس زمینه است و عناصر و المان‌های مختلفی را در این لایه‌ها و در قاب‌های مختلفی نشان می‌دهد. این امر هم در ایجاد عمق تصویر و هم انتقال حس واقعیت‌گرایانه موثر بوده است.

استفاده از این فضاها و لایه‌های تصویری با رعایت قواعد زیبایی‌شناسی تصویر و ترکیب‌بندی همچون قاب در قاب، نقاط و خطوط طلایی، خطوط و بردارهای هدایتگر نه تنها موجب سردرگمی و از دست دادن مخاطب نشده بلکه با مدیریت درست چشم بیننده و هدایت او به هدف خود رسیده و همه این تکنیک‌ها را در خدمت روایت درآورده است. نکته دیگری که در قاب‌بندی می‌توان اشاره کرد این است که قاب‌بندی عنصری مهم برای انتقال زاویه و نوع نگاه کارگردان به بیننده است و اگر در تناسب با سایر عناصر استفاده شود می‌تواند به هدف خود برسد عناصری همچون رنگ و نور و میزانشن است. هدایت چشم مخاطب از بین سوژه‌های مختلف به سمت سوژه اصلی و شخصیت قهرمان و یا در سایر سوژه‌ها به گونه‌ای است که چشم در جهت خطوط ایجاد شده از سوژه‌ها یا عناصر دیگر تصویر در حرکت است، و در نهایت چشم مخاطب را به سمت سوژه اصلی که مد نظر است هدایت می‌کند.

اندازه نماها بیشتر متوسط است و هماهنگ با مدیوم تلویزیون است این امر موجب شده که ما شخصیت‌ها را بیشتر درک کنیم و درگیر محیط اطراف و فضای فیزیکی نشویم. این اندازه نما نگاه نزدیک به چشم است و به خاطر آشنا بودن چشم مخاطب با این اندازه نما بهتر و واقعی تر به نظر می‌رسد و همین امر نیز در انتقال حس تصاویر موثر بوده است. گرچه سایر اندازه نماها همچون نمای باز، خیلی باز، بسته و ... هم در این سریال وجود دارند که آنها نیز به درستی و به جا مورد استفاده قرار گرفته‌اند هر جایی نیاز بوده محیط حس شود نمای باز یا خیلی باز داریم و هر جا نیازمند انتقال احساسات سوژه بوده از نمای بسته استفاده شده است.

با توجه به اینکه شخصیت اصلی امیر است اما الزامی برای بیان روایت از زاویه نگاه امیر به داستان نیست بلکه به دنبال بیان روایت به صورت واقعی است و این را از نوع تصاویر و زاویه‌های به خصوص دوربین نیز می‌توان فهمید که بیشتر برای ایجاد حس تعلیق و زیبایی بصری مورد استفاده قرار گرفته است. دوربین در این سریال مثل چشمی است که به عنوان شاهد و ناظر می‌بیند و برای مخاطب روایت می‌کند. زاویه دید در سریال وضعیت سفید بیشتر به صورت زاویه‌ی تراز چشم است، علت انتخاب این زاویه نیز به خاطر زاویه نگاه چشم انسان و تراز با چشم انسان است، که موجب واقعی بودن تصاویر و همذات‌پنداری و همراهی بهتر مخاطب با سوژه‌ها می‌شود، گرچه از زاویه نگاه از بالا به پایین و از زاویه پایین به بالا نیز در این سریال استفاده شده است که بار معنایی خاص خود را می‌تواند داشته باشد. نکته دیگری که در تصاویر این سریال دیده می‌شود، یک‌دستی و الگوی تکرار شونده در تصویر است به گونه‌ای که هم به جزئیات پرداخته شده و هم به نکات اصلی خلل و خدشه‌ای وارد نشده است.

نکته حائز اهمیت دیگری که در مورد تصویر باید به آن اشاره شود بحث از حرکت دوربین و قاب متحرک است. این حرکت می‌تواند برای معرفی موقعیت یا همراهی با سوژه مورد استفاده قرار می‌گیرد اما منحصر به آنها نیست و می‌تواند در ایجاد تعلیق، بیان جزئیات، اصلاح قاب و ... نیز مورد استفاده قرار گیرد. این حرکت هم موجب واقعی بودن تصویر و هم برانگیختن حس مخاطب مؤثر است البته به شرط آنکه اصولی و در خدمت اثر باشد که در این سریال نیز به همین صورت است. عناصر بصری یاد شده، همگی در خدمت به بیان مفهوم محوری فیلم یعنی آرامش استفاده شده است. همچنین در اشاره به شیوه‌های تربیت دینی، از همین عناصر بصری و شکلی استفاده شده است.

صدا

شخصیت‌های فیلم به کار آمده است. لحن و حجم صدا نیز در ایجاد بار خاص روایی تاثیرگذار است. نوع صدای بازیگر نیز در همراه کردن مخاطب با فیلم موثر بوده است. صداهای محیطی زیر صداهای هماهنگ و همخوان با تصویر است و در ایجاد حس واقع‌گرا برای مخاطب به کار آمده است همچنین بافت صداهای محیطی نشان‌دهنده و معرفی‌کننده زمان و فضا نیز می‌باشند.

به عنوان مثال در صحنه آغازین سریال که مادر بزرگ در حال نماز خواندن است، صدای اذکار نمازی که با لحن و حجم آرامی توسط مادر بزرگ ادا می‌شود و زیر صدای پرندگان و هر دو این صداهای آرام بخش است و تداعی‌گر مفهوم آرامش است. صدا و لحن شخصیت‌های فیلم در هنگام تنبیه، تشویق، اکرام و احترام به‌دقت مورد استفاده قرار گرفته است و کارگردان به‌خوبی از این عناصر در بیان مفهوم آرامش بهره برده است.

در این سریال از موسیقی نیز به‌درستی و به‌جا استفاده شده است. حجم موسیقی متعادل است و فضای سریال را از حالت رئالیستی خارج نمی‌کند، موسیقی هوشمندانه و دقیق استفاده شده است و ریتم و تداوم درستی را برای تعویض نماها پدید می‌آورد. نکته حائز اهمیت دیگری که موسیقی، صداهای محیطی و زیر صدا ایجاد کرده و در خدمت سایر عناصر فیلم قرار گرفته در تداوم تدوینی هنگام تغییر نماها کاملاً مشهود است، به‌گونه‌ای که تناسب میان ملودی‌ها و عناصر تربیت دینی دیده می‌شود، همچنان‌که تناسب موسیقی با مفهوم آرامش نیز در ساخت، انتخاب و گزینش موسیقی مورد دقت بوده است.

تدوین

تدوین این سریال نیز همچون غالب آثار داستانی به صورت تدوین تداومی است؛ ولی اهمیت این نوع تدوین در سریال وضعیت سفید در انتقال حس نوستالژی و توجه به دوران نوجوانان دوری است که می‌بایست به صورت واقعی نمایش داده شود. این واقع‌نمایی در میزانشن و تصویربرداری نیز جز ارکان اصلی بود.

رعایت قانون خط محور ۱۸۰ درجه باعث شده تدوین تصاویر ضبط شده فیلم گیج‌کننده و دردسرساز نشود. به عبارتی سعید نعمت‌الله در مرحله ضبط تصاویر میزانشن و بازیگران را در روی محور خط قرار داده و در یک نیم دایره تصویربرداری را انجام می‌دهد و همین امر سبب حفظ جهت مخاطب هنگام دیدن نماها شده است که باعث می‌شود فضای کلی سریال و جای‌گیری بازیگران به‌درستی در ذهن مخاطب ترسیم شود.

در تدوین این سریال تدوینگر تغییرات نماها و اتصالات بین نماهای مختلف را به حداقل‌ترین مقدار ممکن رسانده است و همین امر نیز موجب حفظ فضای تصویر و واقع‌نمایی در کل سریال شده است. حتی در صحنه پر آشوب و پر استرسی مثل نجات آقا خره از سیل توسط امیر با ریتم بالا و موسیقی هیجانی نیز این تغییرات به شدت بالاست و لحظه حساس و پر استرسی است اما تغییر نماها بسیار کم است.

نکته دیگری که در تدوین سریال وضعیت سفید کاملاً مشهود است حفظ راکورد صحنه‌هاست و این امر موجب شده تا مخاطب احساس کند، تصاویر همزمان و با چند دوربین ضبط شده است. راکورد رنگ و نور نیز حفظ شده است و این یک‌دستی در رنگ و نور و کنتراست کم بین نماها نیز در تداوم و زیبایی تدوین موثر بوده است.

ریتم کلی سریال که بر روی میز تدوین ایجاد شده از اندازه نماها، ضرب‌آهنگ‌ها و تمپو حاصل شده که ناشی از دقت و درستی میزانشن و تصویربرداری است و نتیجه آن یک ریتم تداومی است که در خدمت روایت اصلی قرار گرفته است.

مسئله مهم دیگری که میان تصویربرداری و تدوین مشترک است بحث ریتم تصاویر و نماهاست. ریتم کلی تدوین به صورت متعادل می‌باشد؛ یعنی نماها نه تند و پر سرعت است و نه کند و کسل‌کننده بلکه ریتم کلی سریال وضعیت سفید یک ریتم معمولی و متعادل است که همین امر نیز در حس واقع‌گرا بودن برای مخاطب موثر بوده است. انتخاب این ریتم، با دنبال شدن مفهوم آرامش در روایت فیلم تناسب دارد. همچنین تناسب تندی یا کندی برش‌های تدوینی، نماهای آهسته یا تندی، حرکات فیزیکی شخصیت‌ها، در صحنه‌هایی که امیرمحمد مورد تشویق یا تنبیه قرار می‌گیرد، از دیگر نکاتی است که تدوین این سریال را با

بیان مفاهیم اصلی روایت هم‌راستا نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

حمید نعمت‌الله در سریال وضعیت سفید با دقت، درست، به‌جا و زیبا فرم روایی و عناصر ساختاری را به خدمت گرفته و دوره‌ای به‌خصوص از تاریخ انقلاب اسلامی را به تصویر کشیده، او جز معدود کارگردانانی است که در دوران دفاع مقدس پشت خط مقدم و درون شهرها را نشان داد، دوره‌ای که رژیم بعث عراق بمباران شهرهای مختلف ایران را در دستور کار خود قرار داده بود و وضعیتی بحرانی و به اصطلاح قرمز را در کشور ایجاد کرده بود. در پاسخ به سؤال تحقیق حاضر باید گفت نعمت‌الله توانست اوضاع اجتماعی آن دوره را به تصویر بکشد، اما مهمترین امتیاز کار نعمت‌الله در این سریال بیان هنرمندانه و نگاه درست او به نوجوان و نقش تربیت صحیح در خانواده و به تصویر کشیده شده است. همچنین عنصر آرامش یا همان وضعیت سفید اصلی که تمام بشریت به دنبال آن بوده و هست را نیز به زیبایی نشان داده است. حمید نعمت‌الله سینما و تمام قواعد آن را به خدمت گرفته تا حرفی مهم را بگوید: "آرامشم آرزوست." بنابراین توجه به این تجربه موفق و الگوگیری از آن برای سایر فیلمسازان دغدغه‌مند می‌تواند مفید و موثر واقع شود.

این سریال برای بیان مفاهیم مرتبط با تربیت دینی، از عناصر فرمی و ساختاری مختلف به‌درستی استفاده کرده و از منظر زیبایی‌شناختی در مرتبه بالایی قرار داد. در این سریال خرده‌روایت‌ها و روایت‌های فرع در کنار بازیگران فرعی در خدمت روایت اصلی بودند و از سیر روایت داستان خارج نمی‌شود و آسیبی به داستان اصلی و همراهی و جذابیت برای مخاطب ایجاد نمی‌کند. در پایان شخصیت اصلی با طی کردن مسیر داستان و تحول یافتن به واسطه شهادت شهاب رفیق و دوست صمیمی‌اش و رشد کرده و به پختگی می‌رسد این وضعیت سفید و آرامش در امیر و خانواده با پایان جنگ تحمیلی همراه است.

کارگردان وضعیت سفید از سبک فرمی و عناصر ساختاری استفاده کرده تا هم به روایت آسیبی نرسد و همچنین به زیبایی کاری که انجام می‌دهد خللی وارد نشود. او هر جایی که

می‌توانسته این قواعد را در خدمت بیان مضمون اصلی داستانش به کار برده و به‌درستی توانسته عنصر آرامش را به تصویر بکشد. او در طراحی صحنه، گریم و لباس هرچند به حداقل‌ها کفایت کرده و خود را درگیر آرایش‌های بی‌فایده نمی‌کند؛ اما استفاده از آکسسوارهای خاص که حس نوستالژی را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد را نیز فراموش نمی‌کند و همین امر ارتباط‌گیری خوب مخاطب با داستان و شخصیت‌های آن را در پی داشته است.

در تصویربرداری این سریال از تمام قاب و هر سه لایه تصویر (بک گراند، فورگراند) استفاده شده است. اندازه‌نماها بیشتر به‌گونه‌ای که در تلویزیون مرسوم است و بیشتر از نماهای متوسط و بسته استفاده شده است. زاویه دوربین بیشتر در سطح چشم است به‌گونه‌ای که مخاطب بتواند بیشتر ارتباط بگیرد و به درستی چشم مخاطب مدیریت شده است. کارگردان در قاب‌بندی‌ها و تصویربرداری نیز به درون‌مایه اصلی داستان توجه داشته و سعی کرده به واسطه قاب‌ها و نماهای مختلف عنصر التهاب و عدم آرامش را در صحنه‌های مختلف نمایان کند. همچنین در جاهایی که نیاز بوده آرامش را نشان دهد به‌درستی و با رعایت کامل قواعد بصری و تصویری کار را انجام داده است.

عنصر صدا نیز اوج زیبایی این سریال را برای مخاطب نمایان می‌کند. زیر صداهای محیط و موسیقی که علاوه بر حفظ تداوم و انتقال حس واقعی در محیط‌های مختلف را به دنبال داشته است. در القا حس نوستالژی نیز کارآمد بوده و در جاهای مختلفی از سریال می‌بینیم که چگونه حفظ وحدت صوتی و موسیقایی به کمک تدوینگر آمده و برای حفظ خط روایت در برش‌های مختلف نماها و تغییر سکانس‌ها و نیز ایجاد ریتم درست مورد استفاده قرار گرفته است. لحن بازیگران و زیر صداهای باز در خدمت روایت اصلی و درون‌مایه بوده است. تدوین تداومی به همراه یک‌دستی در نور و رنگ از مهمترین ویژگی‌های عنصر تدوینی این سریال است، برش‌های درست و طول نماهای استاندارد هم در خدمت روایت بوده و هم حواس مخاطب را پرت نمی‌کند. طول نماها و ریتم کار نیز تحت تاثیر حرف اصلی سریال بوده است.

وضعیت سفید الگوی مناسبی برای استفاده از عناصر زیبایی شناختی در بیان مفاهیم تربیت دینی است. با توجه به اینکه شخصیت‌های مهم و اصلی این فیلم در دوران جوانی و نوجوانی قرار دارند، کنش‌ها و واکنش‌های آنان می‌تواند برای نوجوان امروزی قابل الگوبرداری باشد. با توجه به اینکه بخشی مهمی از مضامین و پیام‌های فیلم جنبه تربیتی داشته، چگونگی استفاده از عناصر روایی و ساختاری این فیلم الگوی مناسبی برای هنرمندانی است که خواهان تولید آثار تلویزیونی با مضامین تربیتی دینی برای نوجوانان هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، بابک (۱۳۹۹). حقیقت و زیبایی. تهران: نشر مرکز.
۳. بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ج ۱. تهران: تربیت اسلامی.
۴. بوردول، دیوید و کریستین تامپسون (۱۳۹۴). هنر سینما. ترجمه فتاح محمدی. تهران: نشر مرکز.
۵. بیان معمار، سیداحمد (۱۳۷۹). تلویزیون و آثار تربیتی آن. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، (۴)، ۱۵۰-۱۶۳.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه جلد ۱۵. ترجمه عبدالرحیم ربانی شیرازی. تهران: اسلامیه.
۷. راغب اصفهانی، محمد (۱۳۸۶). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۸. رحیم‌زاده جدا، سعید (۱۳۹۵). بررسی نقش رسانه‌های جمعی (با تأکید بر تلویزیون) در الگوپذیری و رفتار کودکان و نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه ارتباطات. دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۹. زتل، هربرت (۱۳۸۴). راهنمای تولید برنامه‌های تلویزیونی. ترجمه علی رجب‌زاده طهماسبی. تهران: دانشکده صداوسیما.
۱۰. سوانه، پیر (۱۳۸۸). مبانی زیبایی‌شناسی. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۳). مکارم الاخلاق. ترجمه لطیف راشدی. قم: صبح پیروزی.
۱۲. عباسی، حسین (۱۳۹۵). تحلیل محتوای برنامه‌های کودک و نوجوان از حیث مفاهیم تربیتی دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده دین و رسانه. دانشگاه صدا و سیما.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: راه رشد.
۱۴. فاستر گیج، مارک (۱۴۰۰). نظریه‌های زیبایی‌شناسی. ترجمه احسان حنیف، تهران: فکرنو.
۱۵. گینزبورگ، هانا (۱۳۹۹). زیبایی‌شناسی آلمانی. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمه، ج ۱. قم: دارالحدیث.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۹). صحیفه امام جلد ۱۴. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. میرخندان، سید حمیدرضا (۱۴۰۱). روش در نقد فیلم. تهران: دانشگاه صدا و سیما.

۲۰. یوسفی، مریم؛ یوسفی صبور، زهرا (۱۳۹۱). بررسی نقش تلویزیون بر تغییر رفتار نوجوانان از دیدگاه دانشجویان ارشد ارتباطات، فرهنگ ارتباطات، (۶)، ۱۵۱-۱۸۰.



An aesthetic analysis of the TV series "Vaziate Sefid"

from the perspective of religious education of teenagers

Mohsen Sabri*

Seyyed Hamid Mirkhandan (corresponding author)**

Research Objective: This study aims to analyze and examine the neo-formalist visual elements in the TV series "Vaziat-e Sefid" concerning the expression of religious education principles for adolescents.

Research Methodology: The data collection method in this research is documentary-library-based. After gathering and studying relevant sources, including books and films, practical content will be extracted, categorized, and utilized. The film analysis approach employed in this study is neo-formalist (formalist-narrative).

Findings: The research delves into two aspects: the visual aesthetics (narrative elements) and stylistic elements of the TV series "Vaziat-e Sefid". It explores the use of narrative elements such as storytelling, symbolism, and character development, as well as stylistic elements like set design, costume and makeup, lighting, cinematography, editing, and the relationship between shots. These elements are described and analyzed in service of conveying the central concept of the

* MA of Broadcasting, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.
mohsensaaberi@chmail.ir

** Assistant Professor, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.

H.mirkhandan@yahoo.com.

film, which is tranquility. This concept aligns with the psychological evolution of the film's characters throughout the narrative, achieved through formal and narrative elements. Additionally, the study discusses how the use of these elements corresponds to religious educational approaches.

Discussion and Conclusion: In conclusion, the success of the TV series "Vaziat-e Sefid" can be attributed to the director's meticulous, creative, and artistic approach, as well as the appropriate utilization of content and substance within formal elements. The interplay between form and content contributes to impacting the audience and evoking a sense of nostalgia.

Keywords: Aesthetic analysis, "Vaziat-e Sefid" TV series, religious education, adolescents.

